

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - دهم می ۲۰۱۵

دامن دامن گل به "سه خواهران" ^۱

«به افتخار فیروزی ما!!!»

در ساعات شام هشتم ماه می ۱۹۴۵ بود، که سند تسلیم بلا قید و شرط "ویرمخت" Wehrmacht و المان نازی در حضور مارشال ژوکوف امضاء گردید؛ و از آن زمان هفتاد سال تخت میگذرد. اردوی قهار و سفاک هیتلری، که تاریخ تا آن زمان نظیرش را به خود ندیده بود، برای جبهه کارزار "بربروسا" Barbarossa ترتیباتی عظیم گرفته بود و با ابهتی بی مانند، و بدون اعلان جنگ، بر اتحاد شوروی سوسیالیستی حمله برد....

این که در مدت پنجساله جنگ عمومی دوم بر ممالک داخل جنگ و بر سرزمینهایی که در آن آتش سوخت، چه گذشت، هنوز تار و پود تاریخ را میلرزاند. مگر ثقلت جنگ در جبهه شرق بود، که در "مین کمپف" Mein Kampf آدولف هیتلر ازان به نام "فضای حیاتی" Lebensraum یاد میگردید. المان نازی میخواست مملکتی را بر ویرانه های اروپا و خصوصاً سرزمین وسیع اتحاد شوروی بنا نهاد، که پایتختش "گرمانیا" Germania میبود - در همین برلین - و پلانهای پایتخت جدید "ارایش سوم" را مهندس مشهور نازی "البرت شپیر" Albert Speer تهیه کرده بود؛

^۱ - در زبان دری "معدود" همیشه مفرد است، همان قسمی که "صفت" هم مفرد است؛ یعنی که "دو دخترِ خلموکِ همسایه" میگوئیم و "چارده معصوم پاک" و "چل قاضی کور" و "هزاران جانباز دلیر". در قدیم مگر چنین نبوده، بلکه بعضاً هم "معدود" را در هیئت جمع استعمال میکردند، و هم "صفت" را؛ چنانچه در نثر قدیم دری مثالهای فراوان را در زمینه یافته میتوانیم. البته بعض ترکیبات را، که شکل اسم خاص را بخود گرفته اند، هنوز هم در زبان خود بدین شیوه یافته میتوانیم، که لطفی خاص در آن نهفته است، مثل "چل دختران" و "هفت اقران". در عنوان اگر "سه خواهران" آمده، تیمناً به همین مناسبت بوده است و بس.

^۲ - پلانگذاران جنگ عمومی دوم برای هر جنگ تجاوزی نامی خاص انتخاب کرده بودند، از جمله حمله وسیع بر اتحاد شوروی را که با شرکت یک و نیم میلیون عسکر نازی در جبهه ای به طول یک هزار کیلومتر به عمل درآمد، نام مخفی "بربروسا" داده بودند و Barbarossa نام یکی از ملکه های المان بوده، و هنوز هم در تاریخ المان با افتخار از Königin Barbarossa نام میبرند.

و او کسی بود از معتمدان هیتلر؛ و در هنگام زمامداری هیتلر وزیر تسلیحات المان. البرت شپیر بعدها در زندان مخوف "شپندو" Spandau برلین فرسود و در همانجا جان از تنش بُور شد.... هیتلر که شکست المان در جنگ عمومی اول استخوانش را میسوخت، میخواست به انتقام برخیزد و رایش هزارساله را بنیاد گذارد. قرار بود که "رایش سوم" Drittes Reich همان قسمی که در مخیله دیوانه هیتلری میگذشت، هزار سال دوام یابد....

قراری که تاریخ مینویسد، "لوفت و فیه" Luftwaffe المان هیتلری در ابتدای جنگ عمومی دوم، "سی و نه هزار" - بلی؛ "سی و نه هزار" - طیاره جنگی در اختیار داشت و چنین یک انبوه طیارات را نه در زرادخانه های ناتو دیده توانستیم و نه در زرادخانه های پیمان معدوم وارسا - نه به تنهایی و نه در مجموع!!!!

اما در جبهه گسترده اتحاد شوروی چه گذشت؛ از اقصا نقاطش از کیف تا مسکو و تا استالینگراد و ...؟؟؟ همه در تاریخ ضبط گردیده است. مردم اتحاد شوروی سوسیالیستی تحت رهبری آهنین و مدبرانه ستالین با قهرمانیهای بی مانند به دفاع وطن خویش برخاسته و قربانیهای دادند، که تاکنون در تاریخ نظیر ندارد؛ بیشتر از بیست میلیون قربانی هم به دهان راست می آید!!! البته اگر از قربانیهای مردم خود در جنگ تجاوزکارانه سوسیال امپریالیستی برژنف و دار و دسته آدمکش و جنایتگسترش چشم پوشیم - احصائیه های دقیق در زمینه وجود ندارد، ولی آمار تخمینی از یک میلیون تا دو میلیون را ثبت کرده است و این رقم به تناسب نفوس وطن عزیز ما، حتی از قربانیهای گزاف شوروی در جنگ عمومی دوم هم سرریزه میکند!!!

در میان قهرمانان جنگ دفاعی مادروطنی^۲ اتحاد شوروی، "آلگا" Olga و دو خواهرش هم دیده میشدند، و رشادتهای این سه "خواهران قهرمان" در تاریخ اتحاد شوروی به خط زرین نوشته شده است....

"آلگا" و دو خواهرش - این خواهران رشید - بعد عمری؛ و بعد از گذر هفتاد سال، به قریه و زادگاه خود بازگشتند - به قریه ای حقیر و فقیر - و با استقبال بی مثال و سیل اشک همسایگان پیر و جوان خود مواجه گشته!!!

صحنه هائی از این سه خواهر قهرمان را در تلویزیون "فونیکس" Phoenix المان تماشا کردم و اشک ریختم:

- اشکی به خاطر شهامت و جانبازی این سه خواهر

- اشکی به پاس آغوش مهرگستری، که در اهل ده و زادگاهشان باز گشته بود

- و سیلی اشک در پیشگاهِ مادران دلاور و بردبار وطن محبوب خود من!!!!

"سه خواهران قهرمان" - در جمع دوستان نشسته - بیکهای صهبای خود را بلند کردند و همه به یک آواز نعره زدند:

به افتخارِ فیروزیِ ما!!!!

^۲ - این اصطلاح در زبانهای فرنگی در هیئت "پدروطن" آمده است، چنان که در زبان المانی "وطن" را از روی مهر Vaterland نامند. در فرهنگ و در ادبیات خود ما مگر حدیث از "مادرِ وطن" و "مادروطن" میروند؛ و "وطن" است که "مادرِ مادران" است و مادر جفاکش همه ما!!!!